

ادامه از صفحه ۴

باید برای ۲ نسل کمربندها را سفت کنیم

سود فروش پول ۳/۵ برابر سود صنعت حسین راغفر، اقتصاددان

اقتصاد ایران نمی‌تواند به قدر نیاز شغل ایجاد کند. تحولات اقتصادی در سال‌های حضور دولت‌های نهم و دهم آثار اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای بر اقتصاد و جامعه ایرانی گذاشته است که پیامدهای آن نسل حاضر و آینده را دربر خواهد گرفت. در این دوره بیش از هر زمان دیگری نهادهای ضدتوسعه‌ای، ازجمله فساد، سفته‌بازی توسعه یافتند و موجب شدند تله‌های مختلف فقر و نابرابری را تجربه کنیم. شواهد تجربی در اقتصاد ایران حکایت از این دارد که فقر و نابرابری در دهه آینده از این نیز بدتر می‌شود و به نظر، حتی نزدیک‌شدن به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ نیز دور از دسترس خواهد بود. بررسی وضعیت سهم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص فعالیت‌های اقتصادی از کل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور، به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۳ در دوره زمانی ۱۳۳۸ تا ۱۳۹۱ نشان می‌دهد، در این دوره سهم تشکیل سرمایه در بخش کشاورزی بین سه تا پنج درصد در نوسان بوده است. به عبارتی از هر صد تومان سرمایه‌ای که به اقتصاد وارد شده، سه تا پنج تومان آن به بخش کشاورزی رسیده است و این در طول تاریخی که داده‌های آماری نشان می‌دهند، به همین شکل ادامه دارد.

این سهم در بخش صنعت کشور بین دامنه ۲۵ درصد تا ۳۰ درصد در نوسان بوده، گرچه در دوره‌هایی به ۱۲ درصد نیز رسیده است. مابقی سرمایه‌ها یعنی ۶۵ تا ۷۰ درصد به بخش خدمات اقتصاد رفته است. شاید این مسئله مطرح شود که کشورهای صنعتی و پیشرفته نیز بخش خدمات بزرگ‌تری دارند. باید گفت بخش خدمات عظیم در این کشورها محصول صنعتی‌شدن ناتهاست؛ اما در کشور ما بخش خدمات عمومی ناشی از فعالیت‌های غیرمولد، سفته‌بازی، دلالی و خریدوفروش زمین و سکه و ارز رشد کرده است که نه خلق ارزش افزوده می‌کنند و نه منجر به ایجاد اشتغال می‌شوند. این روند صرف‌نظر از هر دولتی، ادامه دارد. اگر قرار است اصلاحات ساختاری صورت بگیرد، اول از همه باید این روند تغییر کند وگرنه امکان تولید در اقتصاد، منتع خواهد بود. دولت نهم ۵۶ درصد از درآمد ارزی کشور را داشته است. پس از ورود دولت نهم به اقتصاد حجم واردات ۱۶ میلیارد دلار بوده که این میزان در سال ۹۰ به ۹۰ میلیارد دلار رسیده است. هنگام آغازبه‌کار دولت نهم سهم سرمایه‌گذاری صنعتی ۳۰،۷ درصد بوده که در سال ۹۱ به ۱۶،۸ درصد رسیده است. تشکیل سرمایه در بخش خدمات در سال ۸۴ حدود ۶۴،۷ درصد بوده که در سال ۹۱ به ۷۹،۷ درصد رسیده است. در اقتصاد ما سرمایه به این شکل توزیع شده و حداکثر امکان به بخش خدمات اختصاص یافته که قادر به ایجاد شغل نیست. در اقتصادی که در آن فعالیت غیرمولد پاداش می‌گیرد، تولید شکل نمی‌گیرد. البته انتظار هم نداریم که تولید با این‌نامه و بخش‌نامه افزایش یابد. اگر ساختار اقتصاد ایران اصلاح شود، تولید هم شکل می‌گیرد؛ اما چه چیزی باید اصلاح شود؟ از سال ۶۸ تا ۹۱، درآمد حاصل از تورم در خدمات بانکی، ۲۰ هزار درصد شده است. این درآمد در بخش مسکن ۱۳هزارو ۷۰۰ درصد، در بخش کشاورزی هفت هزار درصد و در بخش صنعت شش هزار درصد است. این آمارها به خوبی توضیح می‌دهند که چرا پول به بخش صنعت نمی‌آید. وقتی فروش پول ۳،۵ برابر فعالیت صنعتی سود می‌دهد و حتی سودآوری آن از زمین و مستغلات هم بیشتر است که طبیعی است به صنعت و تولید بی‌مهری شود. به‌همین‌دلیل است که در دوره دولت‌های نهم و دهم ۱۴ هزار واحد تولیدی تعطیل و صد هزار نفر بی‌کار شدند.

کدر

راه‌اندازی بزرگ‌ترین کارخانه ترانسفورماتور توزیع کشور

● **مهر:** بزرگ‌ترین کارخانه ترانسفورماتور توزیع کشور هفته آینده با حضور برخی از مقامات دولتی و نمایندگان مجلس در استان تهران به بهره‌برداری خواهد رسید.بزرگ‌ترین کارخانه ترانسفورماتور توزیع کشور با فضایی بالغ بر ۱۳ هکتار با هدف تأمین نیاز به ترانسفورماتور در بخش‌های تولید، انتقال و توزیع و همچنین توسعه صادرات و اشتغال، در شهر پرند و با سرمایه‌گذاری بالغ بر هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال احداث شده است.سالانه در این کارخانه ۱۴ هزار ترانس تولید خواهد شد که این تعداد ترانس برابر با هفت‌هزار و ۵۰۰ مکاولت آمپر است. با بهره‌برداری از بزرگ‌ترین کارخانه ترانسفورماتور توزیع کشور ضمن جلوگیری از خروج سالانه ۴۰میلیون دلار ارز از کشور، با صادرات تولیدات این کارخانه بیش از شش میلیون دلار ارز وارد کشور خواهد شد.

شرق: چرخه شرایط زیستی و کاری کارگران، دور باطلی است که گویی خیال بهبود ندارد. به اعتقاد کارشناسان، سیاست‌های اقتصادی اتخاذشده پس از جنگ تحمیلی، اگرچه با نیت بهبود شرایط معیشتی کارگران و ایجاد اشتغال بوده اما کم‌وبیش هیچ‌گاه نتوانستند هدف تعیین‌شده را برآورده کنند و هنوز هشت کارگران در کرو ۹ آنهاست. از پنج دهک جمعیتی، دهک اول گرفتار فقر مطلق، دهک دوم درگیر فقر نسبی و سه دهک دیگر از افشار آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند و از آنجا که کارگران عمدتاً جزء این پنج دهک هستند، حرف‌زدن در بحران معیشتی آنها، بیراه نیست. انجمن علمی تعاون و رفاه دانشگاه علامه طباطبائی به مناسبت روز جهانی کارگر، نشست با عنوان «کار و کارگر در ایران و بررسی مسائل رفاهی کارگران» برگزار کرد که طیفه آن، مرور شک‌گیری و استمرار تجمع‌ها و تشکلهای کارگری از زبان سیامک طاهری، روزنامه‌نگار، بود و پایان آن، صحبت‌های یکی از فعالان کارگری که تلاش کرد چنددقیقه‌ای درد و خواسته کارگران را به زبان خودشان بیان کند و نسبت به استمرار تضعیف این قشر هشدار دهد.

دوری بقیه‌آبی‌ها و یقه‌سفیدها از نظر کاری

پرویز صداقت، پژوهشگر اقتصادی در جریان تکامل و تطور سرمایه‌داری از نیمه دوم قرن بیستم به بعد تحولاتی رخ داد که طیف جدیدی از مزدبگیران را وارد بازار کار کرد و دولت باید نقش مؤثرتری در اقتصاد سرمایه‌داری ایفا می‌کرده؛ از سویی به سرمایه‌گذاری‌های عمرانی گسترده و خارج از توان بخش خصوصی نیاز بود و از دیگر سو چرخه‌های رکود و رونق اقتصادی دخالत دولت را ایجاد می‌کرد. در این شرایط به‌تدریج اقتصاد از سرمایه‌داری رقابتی به قرن ۱۹ به سمت سرمایه‌داری انحصاری حرکت کرد و شاهد شکل‌گیری شرکت‌های بزرگ سهامی‌ای بودیم که در آنها دیگر مانند بنگاه‌های اقتصادی سنتی سرمایه‌دارانه، امور اداری و دفتری محدود به چند نفر نبود و بروکرایی خاصی را می‌طلبد. در این وضعیت مجموعه‌ای از نیروهای دستمزدپذیر در مقابل کارگران صنعتی بقیه‌آبی ایجاد شد که آنها را یقه‌سفید لقب می‌دهند. برخی از کارشناسان، مزدبگیران یقه‌سفید را خرده‌بورژوازی مدرن می‌دانند و آنها را به طبقه کارگران وارد نمی‌کنند؛ اما در مقابل برخی، یقه‌سفیدان را نیز به شرط اینکه جزء مدیران کنترل‌کننده نباشند و بر کار خود کنترل نداشته باشند، جزء طبقه کارگران حساب کرده‌اند. فارغ از اینکه نام این طبقه را کارگران یقه‌سفید بگذاریم یا طبقه متوسط جدید، سؤال این است که اینها در شرایط کنونی متحد طبقه کارگر هستند یا خیر. کم‌وبیش به‌لحاظ شرایط عینی پاسخ این سؤال مثبت است؛ اما چرا اولویت‌های ذهنی این دو طبقه در ایران امروز متفاوت به نظر می‌رسد.

اگر طبقه متوسط دهه ۲۰ کتشرگر ملی‌شدن صنعت نفت بوده است، طبقه متوسط جدید، در حقیقت در ترم جدید طبقه متوسط امین تعریف می‌شود که از طریق نزدیکی به منابع قدرت و بورژوازی مالی به ثروت می‌رسد و خود را از نظر مالی ارتقا می‌دهد. در طول زمانی که از شکل‌گیری کارگران یقه‌سفید می‌گذرد، فاصله این طبقه با کارگران یقه‌آبی از جهت‌هایی دستخوش تغییر شده است.

در تعریف معاصر ایران هیچ‌گاه طبقه کارگر یقه‌آبی و کارگران یقه‌سفید به‌لحاظ موقعیت علمی به اندازه امروز به هم نزدیک نبوده‌اند و در مقابل هیچ‌گاه به‌لحاظ موقعیت کاری به این اندازه از هم دور نبوده‌اند؛ در حقیقت ما در اینجا با نوعی تناقض روبه‌رو شده‌ایم و هرگونه پیشبرد حرکت دموکراتیک در جامعه ما نیازمند غلبه بر این تناقض است. اعضای طبقه متوسط جدید باید به خطرات استمرار سیاست‌های نولیبرالیسم در فرسایش این طبقه توجه کنند و به هر شکل ممکن به این طبقه هشدار دهند که در اینجا صرفاً سرنوشت طبقات فرودست و کارگر نابود نمی‌شود، بلکه طبقه متوسط و کارگران یقه‌سفید نیز نابود می‌شوند و سهمی در سپهر سیاسی سرزمین نخواهند داشت. طبقه کارگر هم باید در مطالبات خود علاوه بر تأکید بر عوامل اقتصادی و معیشتی، به مطالباتی مانند سطح و کیفیت زندگی و مطالبات هویتی که مورد نظر طبقه متوسط است، بهای بیشتری بدهد و صرفاً خود را در مطالبات معیشتی محدود نکند و خواسته‌های خود برای حداقل‌ها را به حوزه‌هایی فراتر از نیازهای اولیه ارتقا دهد.

درگیری کارگران با ۳ مشکل عمده

علی خدایی، فعال کارگری آنچه در این نشست گفته شد دردهای جامعه کارگری و رهنمودهایی برای تسکین آن بود. به اعتقاد روز من کارگر روزی است که همه کارگران باید با هم‌بستگی حقوق بنیادین اما از دست‌رفته خود را زنده کنند. اگر امروز بخواهیم سه مشکل اساسی کارگران را خلاصه کنیم، بحث امنیت شغلی، موضوع معیشت خانوارها و عدم تشکیل‌یابی است. این سه عامل تأثیر متقابل روی هم دارند و نمی‌توان یکی از آنها را حذف کرد. اگر امروز امکان تشکیل‌یابی نداریم،



عمده‌ترین دلایل آن تأمین‌نشدن معیشت و نبود امنیت شغلی است. امروز اگر کارگری برای حداقل‌های قانونی مصوب کوچک‌ترین اعتراضی کند به فاصله یکی، دو ماه به محض تمام‌شدن قرارداد اخراج می‌شود و با توجه به خیل بی‌کاران، همیشه نیروی کار جایگزین وجود دارد و در این جابه‌جایی هیچ محدودیتی وجود ندارد. از طرفی هم حمایت‌های اجتماعی لازم نیز وجود ندارد و باعث می‌شود این کارگر بی‌کاری خود را با مرگ آبرو و حیثیت شغلی اش برابر بداند و برای همین است که وقتی کارگری می‌فهمد قراردادش تمدید نخواهد شد، اولین کاری که به ذهنش می‌رسد، خودکشی است. به‌همین‌دلیل است که وقتی کارگری در فلان شرکت از مدیرعامل مساعده درخواست می‌کند و جواب رد می‌شنود، خود را از طبقه چهارم کارخانه پرت می‌کند و به زندگی خود پایان می‌دهد. واقعا وضعیت کارگران به کجا رسیده که وقتی مساعده به او نمی‌دهند ترجیح می‌دهد خود را بکشد.

اینکه ما هدف‌گذاری کنیم همین قوانین نیم‌بند را هم از بین ببریم و شمولیت قانون کار را به حداقل برسانیم و متأسفانه به قدری ضعیف عمل کنیم که گروه به‌عنوان مؤسسه نذر اشتغال فلان، جزوه منتشر و درخواست کنند پنج گروه دیگر از جامعه شامل معلولان، دانشجویان جویای کار، افراد سالخورده که تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی نیستند، معنادان ره‌اشده از اعتیاد و... را نیز از شمول قانون کار خارج کنیم با این توجیه که این افراد در شرایط فعلی جاذبیتی برای جذب در مشاغل ندارند پس باید از شمول کار خارج شوند تا حقوق کمتری بگیرند و کارفرمایان آنها را استخدام کنند. دقیقاً افشار آسیب‌پذیری که نیاز به حمایت بیشتری دارند به بهانه ایجاد اشتغال به این صورت حراج می‌شوند؛ نظام برده‌داری از این بهتر است. کسی نیست بپرسد زمانی که کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر را با بهانه ایجاد اشتغال از شمول قانون کار خارج کردیم، چه اشتغالی ایجاد کردیم. همه چیز را از کارگران گرفته‌ایم و از آن طرف توقعات بیشتری داریم. دم از بهره‌وری و کیفیت می‌زیم و کارگر را به پایین‌بودن بهره‌وری متهم می‌کنیم. اصلا فکر نمی‌کنیم کارگری که قرارداد سه‌ماهه دارد بطور باید برای طرح توسعه ۱۲ساله با جان‌ودل با کارفرمای خود همراهی کند. از طرفی کارگر مجبور است برای تأمین معیشت، دوا

سه شغل داشته باشد، اما از آن طرف می‌خواهیم کارگر حواسش جمع باشد و به کار خود عشق بورزد.

نشست کارگری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه

محمد مالجو، اقتصاددان و پژوهشگر اقتصادی معاون سابق و مشاور کنونی وزیر کار در خلال میزگردی که اسفند سال گذشته در روزنامه «شرق» منتشر شد، گفت: «دهک اول، یعنی فقیرترین ۱۰ درصد جامعه برحسب هزینه‌های مصرفی، در فقر مطلق و دهک دوم در فقر نسبی به سر می‌برند. دهک سوم، افشار آسیب‌پذیر و دهک چهارم قدری کمتر آسیب‌پذیر هستند. دهک‌های پنجم تا هشتم، که جزء افشار متوسط هستند نیز وضع چندان خوبی ندارند».

به نظر می‌رسد خانواده‌های کارگری در همین چهار یا پنج دهک فقیرتر جامعه جای گرفته باشند و درعین‌حال، این چهار، پنج دهک فقیرتر جامعه، دچار نوعی دور باطل از نظر کیفیت شرایط زیستی و کاری خودشان شده و در نوعی چرخه خبیثه افتاده‌اند. با قوت ادعا می‌کنم جناب مشاور و البته قاطبه سیاست‌گذاران، در تمام سال‌های پس از جنگ، نمی‌دانند چرا این چرخه برای چهار، پنج دهک فقیرتر جامعه پدید آمده است. در بحث امروز بنا دارم دینامیسم‌های شکل‌گیری این دور باطلی را که حدود نیمی از جمعیت جامعه ایرانی در دام آن افتاده‌اند، بازگو کنم.

به لحاظ تاریخی و تحلیلی، نقطه عزیمت شکل‌گیری این چرخه خبیثه عبارت بوده است از کاهش توان چانه‌زنی فردی و جمعی کارگران که به‌نوبه‌خود معلول ششش سیاست اصلی دولت در سال‌های پس از جنگ بوده است. اول، سیاست موقتی‌سازی قراردادهای نیروی کار که باعث شده بیش از ۹۳ درصد کارگران شاغل از امنیت شغلی محروم باشند. دوم، ظهور شرکت‌های بیمانکاری تأمین نیروی انسانی باعث شده نزدیک به سه میلیون کارگر شاغل فقط از طریق این شرکت‌ها به اشتغال برسند و از این رهگذر رابطه مستقیم حقوقی آنها با کارفرمای اصلی قطع شود. سوم، تعدیل نیروی انسانی دولت به‌ویژه در رده‌های پایین شغلی. از اوایل دهه ۷۰ به بعد که باعث شده بخش گسترده‌ای از کسانی که سابقاً شغل دولتی داشتند، به بازار کار آزاد پرتاپ شوند و محروم از چتر حمایتی اشتغال دولتی باشند.

مثلاً در سال ۶۵ سهم اشتغال دولتی از کل اشتغال ۳۱ درصد بود؛ اما در سال ۸۵ به ۲۴ درصد کاهش پیدا کرده است. این سیاست، بخش عمده‌ای از نیروهای شاغل در بدنه دولت را از چتر اشتغال دولتی محروم کرده است. چهارم، خروج کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر کارکن از شمول تمام مواد قانون کار که باعث شده حدود ۵۰ درصد کارگران شاغل، از چتر حمایتی نهاد غیربازاری قانون کار محروم شوند. پنجم، به همین مقیاس، تعداد درخورتوجهی از کارگران شاغل در مناطق ویژه و آزاد کشور نیز تماماً از شمول قانون کار

اقتصاد

محمد مالجو در نشست «کار و کارگر در ایران و بررسی مسائل رفاهی کارگران» بررسی کرد

اسارت خانواده‌های کارگری در چرخه باطل

دهک های فقیر برای تأمین هزینه ها به سراغ راهکارهای «فردی» رفته اند

و چتر حمایتی آن، خارج شده‌اند. ششم، خط مشی تشکل‌ستیزی است؛ یعنی فصل ششم قانون کار فقط سه نوع هویت جمعی شامل شوراهای اسلامی کار، انجمن‌های صنفی کارگری و نمایندگان منفرد کارگری را به رسمیت می‌شناسد که هر سه آنها اولاً بی‌کاران را دربر نمی‌گیرند، ثانیاً در شرکت‌های بزرگ دولتی عملاً امکان شکل‌گیری ندارند، ثالثاً در بنگاه‌های کوچک زیر ۱۰ نفر هم نمی‌توانند عمل کنند و رابعاً به دولت و بخش خصوصی نیز وابسته هستند. پنج سیاست اول باعث کاهش توان چانه‌زنی فردی کارگران و ششمین سیاست، یعنی تشکل‌ستیزی دولت‌ها، باعث کاهش توان جمعی چانه‌زنی کارگران شده است.کاهش توان چانه‌زنی کارگران در حد بی‌سابقه‌ای به افت شرایط کاری و زیستی کارگران منجر شده است. من اینجا فقط به کاهش دستمزدهای انفرادی کارگران تمرکز می‌کنم و با تکیه بر حداقل دستمزد، سهم حداقل دستمزد از پوشش متوسط هزینه‌های ماهانه یک خانوار شهری در فقیرترین پنج دهک جامعه در سال‌های ۸۵ تا ۹۳ را نشان می‌دهم. توضیح اینکه هرچه سهم حداقل دستمزد از پوشش هزینه‌ها کمتر باشد، فشار معیشتی بر کارگران بیشتر می‌شود. این نسبت در فقیرترین دهک ۱۵۲ از درصد در سال ۸۵ به ۱۰۹ درصد در سال ۹۳ کاهش یافته است و چهار دهک دیگر نیز همین روند مخرب را تجربه کرده‌اند؛ هرچند با شدتی کمتر.کاهش دستمزدهای انفرادی، یکی از سه عامل کلیدی است که باعث نوعی بی‌تعادلی مزمن در ساختار مداخل و مخارج خانوارها، خصوصاً خانوارهای پنج دهک فقیرتر، شده است. البته سایر مؤلفه‌های تعیین‌کننده شرایط زیستی و کاری کارگران، مانند سایر سطوح دستمزدی، ایمنی محل کار، امنیت شغلی، شرایط اسکان، شدت کار و ... نیز در دو دهه گذشته رو به وخامت گذاشته است؛ اما من اینجا به دلیل کمبود وقت فقط روی حداقل دستمزد و کاهش دستمزدهای انفرادی تمرکز کرده‌ام؛ اما سواى کاهش دستمزدهای انفرادی، همه جامعه، به‌ویژه این پنج دهک فقیرتر، در مقوله دستمزدهای اجتماعی نیز کاهش شدیدی را تجربه کرده‌اند. دستمزدهای اجتماعی عبارت از مخارجی است که دولت‌ها در حوزه‌هایی مانند بهداشت و درمان، تربیت‌بدنی، آموزش و مسکن و ... ارائه خدمت را به رایگان یا زیر قیمت بازار برعهده

می‌گیرند تا از گروه‌های هدف حمایت کرده باشند. قانون اساسی ما در اصل سوم، اصل ۲۹، اصل ۳۰ و برخی اصول دیگر بر این نقش دولت در زمینه آموزش عالی، آموزش عمومی، بهداشت و درمان، مسکن، تربیت‌بدنی و سایر خدمات اجتماعی به درجات گوناگون تأکید دارد؛ اما همه دولت‌های پس از جنگ کم‌وبیش از این اصول قانون اساسی تخطی کرده و از اجرای وظایف اجتماعی خودشان دست به عقب‌نشینی زده‌اند و ارائه این خدمات را به بازار سپرده‌اند. من اینجا فقط به دو مورد از این دستمزدهای اجتماعی در حوزه سلامت و آموزش عالی اشاره می‌کنم؛ گرچه سایر حوزه‌ها نیز این روندهای مخربی را که اشاره خواهم کرد، تجربه کرده‌اند.اگر نرخ مشارکت خانوارها در هزینه‌های خدمات درمانی و خدمات جانبی مراقبت پزشکی را بر اساس حساب‌های ملی سلامت در نظر بگیریم، برای سال‌های ۸۱ تا ۸۷ که آمارهای غنی و موثقی در اختیار داریم، می‌بینیم نرخ مشارکت خانوارها در پرداخت هزینه‌های خدمات درمانی از رقم ۵۶ درصد در سال ۸۱ به رقم ۵۹ درصد در سال ۸۷ افزایش پیدا کرده و به همین قیاس، نرخ مشارکت خانوارها در پرداخت هزینه‌های خدمات جانبی مراقبت‌های پزشکی نیز از ۶۸ درصد در سال ۸۱، به ۷۰ درصد در سال ۸۷ افزایش یافته است. این رقم‌ها در سطح ملی استخراج شده و در آن، به دلیل دسترسی‌نداشتن به آمارهای خام، از وضعیت دهک‌های مختلف جامعه بی‌اطلاع هستیم، اما می‌توان با قاطعیت گفت دهک‌های فقیرتر با شدت بیشتری این روند را تجربه کرده‌اند.

در زمینه آموزش عالی نیز تعداد جذب دانشجو در بخش شهریه‌ای آموزش عالی، از حدود یک‌میلیون و ۱۰۰ هزار نفر در سال ۸۱، به بیش از دو‌میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در سال ۸۷ رسیده است؛ درحالی‌که در همین دوره زمانی، جذب دانشجو در بخش رایگان آموزش عالی از ۴۵۰ هزار نفر به ۶۰۵ هزار نفر رسیده است؛ یعنی بخش عمده گسترش آموزش عالی براساس پرداخت‌ها از جیب خانوارها صورت گرفته است. به زبان دیگر، نسبت جذب دانشجو در بخش رایگان به بخش شهریه‌ای آموزش عالی از ۴۵درص در سال ۸۱، به رقم ۲۲درص در سال ۸۷ کاهش یافته است.

ادامه در صفحه ۱۵

دسیسی

فروش ویژه فقط در

فروشگاه اینترنتی بامیلو

amilo

Silvana



۲۸۵,۰۰۰ تومان

9 PCS

Porcelain dinner set

28 PCS



Silvana

Porcelain dinner set

با خرید سرویس ۹ پارچه سیلوانا سرویس ۲۸ پارچه چینی پورسلاین هدیه بگیرید

amilo

www.bamilo.com

تولید شرکت گاندپد- ایران

خبر

ایران «بلال» را به کرایه‌ها سپرد

● **ایستنا:** شرکت ملی نفت ایران با شرکت گاز کره جنوبی (کوگس) یک پادداشت تفاهم امضا کرد تا مطالعه برای توسعه میدان گازی بلال و پروژه‌های گازی دیگر را برعهده بگیرند. رکن‌الدین جوادی، معاون وزیر نفت، یکی از مهم‌ترین اهداف اعضای این تفاهم‌نامه را مطالعه کرایه‌ها روی یکی از میدان‌های گازی ایران در خلیج فارس نام برد و به تجربه شرکت کوگس در زمینه بالادست و توسعه درخسور توجه آنها در سال‌های اخیر در بیش از ۱۵ کشور دنیا اشاره کرد و افزود: کرایه‌ها مطالعه‌ای را روی میدان بلال خواهند داشت، پس از مطالعه، علاقه‌مندی خود را برای مشارکت در پروژه ایران الان جی با پروژه جدید الان جی به ما اعلام خواهند کرد.

ایورا در چابهار

● **نخستین نشست خبری** اولین کنفرانس رؤسای مناطق آزاد کشورهای حاشیه اقیانوس هند، ۱۴ اردیبهشت با حضور احمدی و سعید اله‌بداشتی در محل سازمان مناطق آزاد برگزار شد.احمدی، مشاور امور بین‌الملل دبیرخانه مناطق آزاد و همچنین دبیر اجرایی اجلاس IORA در چابهار، در ابتدا به تشریح سابقه تشکیل اتحادیه همکاری منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند پرداخت و افزود: اتحادیه کشورهای حوزه خلیج فارس و اقیانوس هند که در سال ۱۹۹۵ به پیشنهاد نلسون ماندلا با هدف گسترش مبادلات اقتصادی و همچنین صلح‌آفرینی در منطقه اقیانوس هند ایجاد شده و درحال حاضر ۲۰ عضو ثابت و هفت شریک گفت‌وگو دارد. اولویت‌های کنونی اتحادیه درحال حاضر امنیت و ایمنی دریانوردی، تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری، مدیریت شیلات و ماهی‌گیری، کاهش خطرات و سوانح طبیعی، همکاری‌های علمی و دانشگاهی، گردشگری و فرهنگ، توانمندسازی زنان و توسعه اقتصاد اقیانوسی است.احمدی در ادامه افزود: پیش‌بینی می‌شود ۱۵۰ میهمان رسمی از کشورهای عضو و طرف گفت‌وگو و همچنین ۳۰۰ نفر از فعالان اقتصادی و صاحبان صنایع و تجار در اولین کنفرانس ایورا که ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت در چابهار برگزار می‌شود شرکت کنند.

Dessini®
Enchanting Modern Life

فقط با ضمانت نامه پرتاب افزار پویا ارون